

# انسان، هنر و تقدس

شریف لطفی

محدوده توانایی‌های انسان در این وجه از هنر نیز بستگی کامل دارد به مقدار اکتسابات ناخواسته و خود خواسته وی از هر یک از راه‌های ذکر شده مانند:

۱- توارث ۲- آموزش غیر مستقیم ۳- آموزش مستقیم. به منظور بررسی یکایک راه‌های سه‌گانه اشاره شده می‌توان چنین بیان نمود:

۱- اکتساب توانایی‌های ناخواسته در وجه درونی هنر انسان از راه توارث، امانتی است از جانب خداوند متعال که علم نیز بر آن صحه گذاشته است. بنابر این انتقال خصایص موروثی از نسلی به نسل دیگر از طریق عامل DNA موجود در سلول‌ها این امکان را مهیا می‌سازد که انسان برخی از خصوصیات برجسته والدین یا اجداد خود را از راه ژن کسب کند و در زمینه‌ای خاص به استعدادی درخور توجه دست یابد، بسی آنکه از آموزش‌های غیر مستقیم (دریافت‌های ناخواسته و خودخواسته) و یا از چهارچوب تعلیماتی ویژه آموزش‌های مستقیم (دریافت‌های خودخواسته) بهره‌ای برده باشد.

۲- اکتساب توانایی‌های ناخواسته و خودخواسته در وجه درونی هنر انسان از راه آموزش غیر مستقیم، در گرو مقدار تأثیرپذیری‌های وی از بیرون به درون - به وسیله حواس - از بدو تولد تا پایان حیات اوست. بدین ترتیب پایه‌گذاری نخستین سنگ بنای آموزش غیر مستقیم هنر - به عنوان مثال، هنر موسیقی در وجود نوزاد از بدو تولد، با دریافت شنیداری ریتم‌ها، اصوات موسیقایی و دیگر مقررده‌های موجود در ترانه‌ها و نغمات گوناگون - در رأس آنها لایه‌های مادر - به صورت ناخواسته تحقق می‌پذیرد.

رشد و تربیت یافتن در محیط‌های هنری گوناگون اعم از فضای هنری خانواده، فضای هنری جامعه و یا برخوردار بودن از هر دو، این امکان را برای انسان مهیا می‌سازد تا بتواند در طول سال‌های زندگی خویش به صورت ناخواسته و یا خودخواسته در مسیر

ارتباط انسان و هنر در دو وجه تحقق می‌پذیرد:

## وجه درونی و وجه بیرونی

توانایی وجه درونی هنر انسان که همان امکان «بالموه» وی به صورت زمینه هنری در وجودش است، می‌تواند با اکتساب از سه راه حاصل گردد.

۱- اکتساب از راه توارث (ودیعه الهی) (دریافت‌های ناخواسته)

۲- اکتساب از راه آموزش غیر مستقیم (دریافت‌های ناخواسته و خودخواسته)

۳- اکتساب از راه مستقیم (دریافت‌های خودخواسته) بروز و نمود وجه درونی هنر انسان به بیرون با به کارگیری امکاناتی مانند:

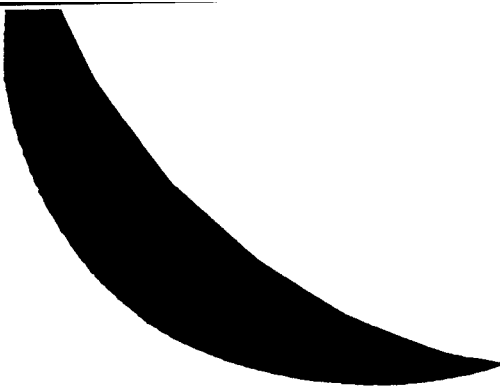
الف: فیزیک انسان

ب: آلات و مواد

پ: اصوات موسیقایی و غیر موسیقایی

را می‌توان وجه بیرونی هنر انسان یا امکان «بالفعل» وی در زمینه هنر محسوب نمود.

چون وجه بیرونی هنر انسان در واقع بازتابی است از توانایی‌های وجه درونی هنر وی به بیرون، بنابر این



تأثیرپذیری از اتفاقات هنری متعدد قرار گیرد. به عنوان مثال: فردی که در فضای هنری خانواده‌ای اهل موسیقی رشد می‌یابد و نیز با برخورداری از فضای هنری جامعه همواره شاهد و متمتع از فعالیت‌های اجرایی گوناگون موسیقی در طول سال‌های زندگی خویش است، با کسب آشنایی و آگاهی‌ها نسبت به این هنر، زمینه مساعدی در وجودش - به صورت ناخواسته و خودخواسته - فراهم می‌آید که در واقع برای وی نوعی «آموزش غیر مستقیم» محسوب می‌گردد. بدین ترتیب اهمیت نقش آفرینی فضاهای هنری که انسان در آن رشد می‌یابد برای ایجاد زمینه هنری در وی از راه آموزش غیر مستقیم، به وضوح نمایان می‌شود.

۳- اکتساب توانایی‌های خودخواسته در وجه درونی هنر انسان از راه آموزش مستقیم، ناظر بر مجموعه تعلیمات مدونی است که فرد به‌طور منظم و مستمر در جریان آن قرار می‌گیرد. در این حال وابستگی او به منابع تعلیم‌دهنده مستقیم، نظیر مربی، کتاب و... انکارناپذیر است.

به بیانی دیگر، اکتساب توانایی‌های خودخواسته در وجه درونی هنر انسان از راه آموزش مستقیم، به معنای ممارست وی - از راه تعلیمات مدون - برای دستیابی به آگاهی‌ها و به منظور مهیا کردن زمینه‌های پیش از اجراست.<sup>(۱)</sup> این امر در واقع تقویت و ارتقاء اندیشه و احساس انسان است که در مسیر آموزش مستقیم، با تحصیل هنر و در نتیجه ارتباط تعلیمی وی با هنر ممکن می‌گردد.

از مجموع موارد اشاره شده چنین نتیجه‌ای حاصل می‌شود:

توانایی‌های وجه درونی هنر انسان که با اکتساب از راه‌های «توارث»، «آموزش غیر مستقیم» و «آموزش مستقیم» ممکن می‌گردد، به عنوان توانایی‌های «بالقوه»، این امکان را فراهم می‌آورد تا انسان بتواند در موقعیت «بالفعل» یعنی زمان بروز و نمود هنر خویش با وسع

بیشتری عمل نماید و در نتیجه به هنگام اجرای هنر خویش دست بازتری داشته باشد. در این صورت تمامی زمینه‌های ایجاد شده در وجه درونی هنر انسان، بدون تردید می‌تواند بیش از نیمی از مسیر خلق و اجرای آثار هنری مورد نظر وی را هموار سازد و از این روست که دست‌یابی به وقوف و آگاهی‌های پیش از اجرا در وجود انسان، چنین حایز اهمیت و ارزش فراوان می‌شود.

نکته قابل توجه‌ای که در اینجا می‌توان بدان اشاره نمود این است که، بشر پیش از به مرحله ظهور رسیدن توانایی‌های وجه درونی هنر خویش که از راه‌های توارث و آموزش غیرمستقیم کسب می‌نماید، اغلب از این توانایی‌ها غافل و بی‌اطلاع است بنابراین در میان انسان‌ها بسیار «هنرمندان پنهان» وجود دارد که تنها به لحاظ عدم ارتباط تعلیمی و استفاده از آموزش‌های مستقیم هنر، هیچگاه امکان آشکار شدن سرمایه‌های درونی هنرشان به وسیله نمادهای بیرونی، فراهم نشده است. حاصل اینکه دو مقوله انسان و هنر را می‌توان به سه صورت زیر تقسیم‌بندی نمود:

#### ۱ - هنرمندان آشکار

#### ۲ - هنرمندان پنهان

#### ۳ - بی‌هنران

۱ - هنرمندان آشکار همان تعلیم دیدگان هنرند که با استفاده از آموزش‌های مستقیم هنر - به صورت خودخواسته - به توانایی‌هایی در هنر مورد نظر خویش دست می‌یابند. اینان در صورتی که بهره از راه‌های توارث و آموزش غیرمستقیم هنر نیز برده باشند، بدون تردید به آسانی به درجات نسبی بالاتری در هنر خویش خواهند رسید.

۲ - هنرمندان پنهان در حقیقت مکتسبین توانایی‌های

درونی هنر، تنها از راه‌های توارث و آموزش غیر مستقیم هستند. این انسان‌ها بدون تردید از حامیان و مصرف‌کنندگان حقیقی هنرند که با هر جرعه کوچکی از امکانات تعلیماتی آموزش‌های مستقیم هنر، می‌توانند به آسانی در جرگه هنرمندان آشکار قرار گیرند.

۳ - بی‌هنران در واقع همان کم‌هنرانند که بضاعتی بسیار اندک از هنر در درون خود دارند که از راه‌های توارث، آموزش غیر مستقیم و یا هر دو کسب می‌نمایند.

اینان از قسریحه و سلیقه‌های هنری چندانی برخوردار نیستند و همواره نسبت به مقوله هنر و در نتیجه پدیده‌های هنری کم تفاوت و یا بی تفاوت‌اند. و اما تقدس:

آنچه انسان را پاک، منزّه و پرهیزکار از عیوب می‌کند و به عبارتی دیگر نقائص وجودش را از بین می‌برد و در نتیجه راه تعالی را فراروی او می‌گشاید، توانایی تمیز احسن از غیر آن توسط انسان، با تکیه بر وسع اندیشه و احساس اوست.

هر آینه هنر بتواند به این وسع دامن زند، بدون تردید به سیر کمال اندیشه و احساس انسان یاری رسانده است. خواه این یاری نشأت گرفته از راه توارث باشد یا آموزش غیر مستقیم و یا آموزش مستقیم که بدون شک اگر این وسع برآمده از جمع راه‌های اشاره شده باشد، سیر راه تعالی وجود انسان، بسیار سریع‌تر ممکن می‌گردد و این همان رسالت راستین هنر یعنی پیام تقدیسی او برای انسان است.

#### پی نوشت:

۱ - به مرحله ظهور رسیدن اثر هنری